



فشار ایران و مصر برای لغو تصمیم جنجالی سیاتل امکان تغییر محل بازی

احتمال جابه‌جایی محل برگزاری دیدار ایران - مصر در جام جهانی ۲۰۲۶ جدی‌تر شده؛ دیداری که حالا زیر سایه تصمیمی جنجالی از سوی مسؤولان محلی سیاتل قرار گرفته است. این شهر اعلام کرده هم‌زمان با این مسابقه، مراسمی مرتبط با جنبش‌های منصرف رنگین‌کمانی برگزار می‌کند؛ اقدامی که بسیاری آن را رفتاری خارج از عرف ورزشی و حرکت ۱۰۰ درصد ضدفرهنگی تحمیلی توصیف کرده‌اند؛ حرکتی که به‌جای احترام به تنوع فرهنگی تیم‌ها، عملاً مرزهای حساسیت ملی و دینی را نادیده می‌گیرد. ایران و مصر به عنوان ۲ کشور مسلمان، به‌صورت رسمی اعتراض خود را ثبت کرده‌اند و تأکید دارند چنین فضایی با ارزش‌های حاکم بر جامعه‌شان سازگار نیست. فدراسیون‌های فوتبال ۲ کشور خواستار شده‌اند فیفا با جلوگیری از برگزاری این مراسم در کنار مسابقه، شأن ورزشی جام جهانی را حفظ کند. در مقابل، برگزارکنندگان سیاتل بدون توجه به پیامدها، گفته‌اند استادیوم اجرا خواهند کرد؛ موضعی که بسیاری از تحلیلگران آن را رفتاری بی‌ملاحظه نسبت به میهمانان فرهنگی توصیف کرده‌اند.
کلوه صلح، که خبرنگار اسکای اسپورت، اعلام کرده فیفا ممکن است برای کاهش تنش‌ها بازی ایران - مصر را با دیدار نیوزیلند - بلژیک جابه‌جا کند؛ به این معنا که مسابقه حساس این گروه از سیاتل به ورزشگاه بی‌سی‌پلیس ونگوور منتقل شود. اکنون همه چشم‌ها به مقر فیفاست؛ نهادهی که باید تصمیم بگیرد آیا یک مراسم جنبی و بحث‌برانگیز می‌تواند بر رقابت‌های معتبر جهانی سایه بیندازد یا عقلائیّت، مسیر فوتبال را از حاشیه‌های غیرضروری جدا خواهد کرد.

گزارش

استقلال با تساوی برابر ملوان به رده سوم سقوط کرد فرصت‌سوزی

برزه‌هایی‌سوی چون تساوی بدموقع برابر ملوان است که تردیدهایی را درباره توانایی سرمربی پرتغالی استقلال- ریکاردو ساپینتو- باعث می‌شود. هرچند

فرصت‌سوزی‌های مهاجمان استقلال نیز در توقف خانگی برابر سفیدپوشان انزلی تأثیر داشت اما عدم تغییر به‌موقع شیوه‌بازی یا نداشتن همان پلن B آبی‌پوشان و تعویض‌های نامناسبی که تحولی در روند تیمی استقلال در این دیدار ایجاد نکرد، مستقیماً منجر به سرمربی تیم می‌شود؛ همان‌گونه که تیم استقلال به لحاظ فنی و روانی محتاج برد داری بود اما سواى چند موقعیتی که بازیکنانش در آن دیدار از دست دادند، شخص ساپینتو نیز نتوانست از منظر تفکرات به آن نیاز فنی و روانی تیمش جامه عمل بپوشاند. وقتی ملوان از ۲ فرصتی که برابر استقلال به دست آورد و از تنها ۲ شوتی که به سمت چارچوب آنتونیو آدان زد می‌تواند به تک گل تساوی‌بخش خود برسد و استقلال از فرصت‌های متعدد گلزنی خود فقط به یک گل دست می‌یابد، یعنی یک جای کار آبی‌پوشان بدجور ایراد دارد و در صورت عدم رفع آن، موفقیت برای این تیم سربل بی‌ش نخواهد بود. وقتی تیم‌های مقابل استقلال با علم به نقش وینگرهای این تیم، اقدام به کنترل یا محدود کردن فضای حرکت آنها می‌کنند، چرا نباید شیوه جایگزین از سوی کادر فنی اعمال شود تا بن‌بست بازی این تیم را بشکنند؟

استقلال‌ها نیمه اول توپ‌های بسیاری را روی دروازه ملوانان آوردند، چنانکه آنها را در زمین خود حبس کرده بودند ولی فقط یک بار موفق شدند تور دروازه انزلی‌چی‌ها را به لرزه درآورند. آن همه فشار و فقط یک گل؛ چرا؟ بنا به این دلایل:

۱- اصرار آبی‌پوشان به تکیه بر حرکات کوشکی و آسانی، انتخاب‌های آنها را در استفاده از سایر روش‌ها برای رسیدن به گل محدود کرده بود.

۲- اصرار بر این روش، متقابلاً مدافعان حریف را از عدم استفاده آبی‌پوشان از سایر روش‌ها آسوده‌خاطر نمود و به طور مثال چندندان نگرانی بابت باز بودن عمق دفاع خود نداشتند.

۳- ایستایی مهاجمان استقلال درون محوطه جریمه ملوان و عدم فضاسازی درست آنها هم مانع داشتن گزینمهای دیگری جز شوت زدن برای بازیکنان کناری تیم شده بود.

۴- علم اصلی از دست رفتن برخی موقعیت‌های آبی‌پوشان را می‌توان چارچوب نشناختن مهاجمان این تیم (حتی در سایر بازی‌های‌شان) عنوان کرد. سعید سحرخیزان- مهاجم نوک این تیم- هنوز به دلایلی که بیشتر روحی- روانی است در شناخت چارچوب دروازه موقع زدن ضربات آخر مشکل دارد و همین باعث عدم توفیقش در گلزنی است.

۵- خودمهوری بیش از حد کوشکی و آسانی که بعضاً و حتی در موارد حساس از «در خدمت تیم بودن» به «در خدمت خود بودن» تمایل بیشتری نشان دادند. این موارد مربوط به نیمه اول می‌شود که بازی دست استقلال بود اما در نیمه دوم که ملوان فرصت عرض اندام در زمین آبی‌پوشان را پیدا کرد عقب‌نشینی شاگردان سایپینتو در این امر بسیار نقش داشت، حتی شاید بیشتر از انگیزه ملوانان. در این نیمه علیرضا کوشکی عنصر اصلی تهاجمی استقلال فروغ نیمه اول را نداشت و یاسر آسانی هم که اصلاً در این دیدار آن بازیکن تأثیرگذار سابق نبود؛ آبی‌پوشان در استفاده از توپ‌های‌شان در یک سوم دفاعی حریف هم سردرگم بودند. سایپینتو پس از گل تساوی ملوان به جای اینکه جهت بهبود و تسریع روند هجومی تیمش درست تعویض کند باز محمدرضا آزادی و سپس موسی جنبو، ۲ بازیکن ضعیفش را به میدان فرستاد! آوردن این دو به بازی از مواردی است که تردید در فهم فوتبالی سرمربی پرتغالی را افزایش می‌دهد. براستی سرمربی آبی‌پوشان از آزادی چه دیده است یا این مهاجم چه توانمندی‌ای از خود نشان داده که باید در میدان سوهان روح هواداران استقلال شود؟ جنبو هم که نحوه حرکات و کنترل توپش نشان می‌دهد مدتی باید زیر نظر یک مربی آموزش تکنیک به‌طور اختصاصی کند؛ آمدن این ۲ بازیکن تا حدود زیادی خاطر ملوان را به حفظ یک امتیازشان امیدوار کرد.

اتهام نقض بی طرفی سیاسی علیه رئیس فیفا در پی حمایت وی از ترامپ

جنجال جایزه قلابی



می‌آیند، پرونده جنبه جدی‌تری پیدا می‌کند. البته در سمت دیگر ماجرا، ترامپ هنگام دریافت جایزه با لبخندی پهن گفت: «یکی از بزرگ‌ترین افتخارات زندگی من است... من جان میلیون‌ها انسان را نجات دادم!»). او از آن شب به‌عنوان نمادی از پیروزی یاد کرد اما افکار عمومی و رسانه‌ها بلافاصله پرسیدند: آیا اینفانتینو اجازه داشت چنین طرفداری آشکاری انجام دهد؟ اکنون فضای فوتبال جهان دوباره شده؛ گروهی معتقدند فیفا باید فاصله‌اش را با چهره‌های سیاسی حفظ کند تا اعتماد مردم نشکند، گروهی دیگر می‌گویند تعامل با دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است و روابط نزدیک می‌تواند منافع ورزشی داشته باشد اما در این میان یک واقعیت قابل انکار نیست: این پرونده دیگر محدود به پیچ‌های تئوریتی نیست. شکایت رسمی روی میز قرار گرفته و کمیته اخلاقی ناچار است واکنشی مشخص نشان دهد.

آینده این پرونده چه می‌شود؟ شاید مثل بسیاری از جنجال‌ها با بیانیه‌ای کوتاه به فراموشی سپرده شود، شاید هم به نقطه‌ای برسد که برای دومین بار (پس از سپ پلاتر)، جایگاه رئیس فیفا لرزان شود. فوتبال جهان در روزهای آینده چشم‌به‌راه است؛ بازی‌ای که این بار نه روی چمن، بلکه پشت میزهای قضاوت اخلاقی و حقوقی برگزار می‌شود.

پرسش کلیدی این است: آیا فوتبال می‌تواند بی‌طرف بماند وقتی هدیه‌ای مستقیم به دست یک «تورویست-سیاستمدار» می‌رسد؟ پاسخ را باید نه امروز، بلکه بعد از تصمیم کمیته اخلاق شنید. روزی که با این پرونده به‌عنوان هشدار تاریخی ثبت می‌شود یا لکه‌ای روی لباس فیفا می‌شود که تا ابد پاک نخواهد شد.

که نقش او را در «پایان دادن به جنگ‌ها» تمجید می‌کرد. اینفانتینو نیز خطاب به ترامپ گفت: «همیشه روی حمایت من حساب کن». شاکیان می‌گویند این جمله یک اعلام پشتیبانی مستقیم از سیاست خارجی یک رئیس‌جمهور مستقر است. چهارم. ویدئوی اینستاگرامی ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵. رئیس فیفا با دعوت به مراسم پیش تحلیف ترامپ گفت: «با هم نه فقط آمریکا، بلکه جهان را دوباره بزرگ می‌کنیم». عبارتی که بازتاب مستقیم شعار انتخاباتی مشهور MAGA قلمداد شده است.

این ۴ بخش وقتی کنار هم قرار می‌گیرد، یک تصویر می‌سازد؛ تصویری که Fair Square معتقد است به استقلال و بی‌طرفی فیفا آسیب می‌زند. از نگاه آنها، فوتبال زمانی قدرت دارد که از بازی‌های قدرت فاصله بگیرد. اگر رئیس فیفا به جای نگهدارن بی‌طرف ورزش، تبدیل به بازیگر میدان سیاسی شود، اساس اعتماد جهانی فرومی‌ریزد. در بخش پایانی شکایت، موضوع اصلی به خود جایزه برمی‌گردد: ایجاد چنین نشان افتخاری باید از کانال «شورای فیفا» تصویب شود اما نه سندی منتشر شده، نه رأی‌گیری ثبت‌شده‌ای وجود دارد. حتی نامی از گروه داوران یا سازوکار انتخاب برنده دیده نمی‌شود. به بیان واضح‌تر، هیچ‌کس نمی‌داند این جایزه چگونه خلق شد و چرا نخستین دریافت‌کننده آن ترامپ بود.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز پیش‌تر همین سوالات را مطرح کرده و پاسخ رسمی دریافت نکرده است. مینکی وورن، مدیر بخش جهانی این نهاد، با صراحت گفت: «این جایزه فاقد مشروعیت است، نه نامزد داشته، نه روند ارزیابی». وقتی چنین سازمان‌های معتبری به میدان

اما سوالاتی که ذهن‌ها را قلقلک می‌دهد، از همان شب اهدا شروع شد: چطور جایزه‌ای با عنوانی به این بزرگی، ناگهان و بدون اطلاع عمومی ساخته شد؟ نه فراخوانی وجود داشت، نه فرآیند انتخاب مطرح و نه معیار مشخصی اعلام شد. حتی بسیاری از اعضای شورای فیفا خبر نداشتند چنین جایزه‌ای تعریف شده در واقع، جایزه‌ای خلق‌الساعه با عنوان «صلح» در مراسمی سیاسی – رسانه‌ای به کسی داده شد که جنگ‌طلبی‌اش سال‌ها محل بحث در فضای بین‌الملل بوده است. این ترکیب به خودی خود، آتش زیر خاکستر را شعله‌ور کرد.

ماجرا فقط به همان شب خلاصه نمی‌شود. Fair Square ۴ نمونه از رفتارهای اینفانتینو را کنار هم گذاشته و می‌گوید اینها شواهد نقض اصل بی‌طرفی سیاسی است؛ اصلی که در ماده ۱۵ قوانین اخلاقی فیفا به صراحت ذکر شده. آنها مثال‌ها را چنین ردیف کرده‌اند: نخست، پست اینستاگرامی ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵. درست یک روز قبل از معرفی برنده نوبل صلح، اینفانتینو نوشت ترامپ باید جایزه را بگیرد و نقش او در آتش‌بس غزه را ستایش کرد. برای یک مقام فوتبال، این چیزی بیش از اظهار نظر ساده تلقی شده است.

دوم، سخنانی او در کنفرانس America Business Forum در میامی. پس از صحبت‌های ترامپ، اینفانتینو روی صحنه رفت و او را «دوست بسیار نزدیک» خود نامید و گفت باید از اقداماتش حمایت کرد. استفاده از واژه «حمایت» مخصوصاً در زمینه سیاسی، حساسیت‌برانگیزتر شد.

سوم، جمله‌ای در مراسم قرعه‌کشی. وقتی ترامپ برای دریافت جایزه صدا زده شد، در سالن ویدئویی پخش شد

هیچ جا وطن نمی‌شود



روشن، باعث شده برخی چهره‌ها که از مشکلات زندگی در غرب یا از وعده‌های عملی‌نشده رسانه‌های بی‌برون مرزی خسته شده‌اند، بار دیگر به بازگشت فکر کنند.

بازگشت عاطفه احمدی، هم‌راہ با ابرار پشیمانی صریح، اکنون به یک نمونه عینی تبدیل شده است؛ اینکه بسیاری از تصمیمات در آن دوره نه از روی تحلیل و واقعیت، بلکه از روی احساسات و فشار رسانه‌ای اتخاذ شد؛ و امروز، پس از فروکش هیجانات، واقعیت وطن و نیاز به هویت ملی بار دیگر خود را نشان می‌دهد.

که برایش «درس بزرگی» بوده است.

در گزارش‌های رسمی نیز اشاره شده احمدی در مدت اقامت در آلمان نتوانست به آرزوهای ورزشی‌اش برسد و مسیر پیشرفت، آن‌گونه که تصور می‌کرد، برایش باز نشد. او اکنون با پذیرش اشتباه گذشته، مسیر تازه‌ای را انتخاب و تأکید کرده «به وطن و مردمش تعلق دارد». از سوی دیگر، مسؤولان ورزشی و دولتی نیز بارها اعلام کرده‌اند راه بازگشت برای همه کسانی که در آن روزها فریب خورده و به پرچم و کشور خود پشت کردند، باز است. این پیام

در یک چرخش قابل توجه و عبرت‌آموز، عاطفه احمدی، ملی‌پوش سابق اسکی کشورمان که سال ۱۴۰۱ در بجهوه التهاب‌های اجتماعی از ایران خارج شد و به آلمان پناهنده شده بود، با انتشار

متنی صریح در صفحه شخصی خود از بازگشت به ایران و پشیمانی از تصمیم گذشتۀش خبر داد. او در نوشته‌اش تأکید کرد «ایران امن‌ترین جای دنیاست» و بازگشت به آغوش خانواده و سرزمینش را «بزرگ‌ترین آرامش» زندگی‌اش توصیف کرد. احمدی نوشت: «امروز بعد از ۳ سال فهمیدم هیچ جا مثل وطن نیست. تصمیمی که آن روزها گرفتم احساسی بود و تصور می‌کردم می‌توانم رویاهایم را در جایی دیگر دنبال کنم اما اشتباه کردم. برگشتم چون اینجا خانه من است».

این اعتراف صریح، تنها یک بازگشت ساده نیست؛ نمادی از موج پشیمانی افرادی است که در آن روزهای پر التهاب، تحت تأثیر فضای احساسی و رسانه‌ای، تصمیم‌هایی شتاب‌زده گرفتند. همان‌طور که در ماه‌های گذشته هم چند بازیگر و چهره هنری مقیم آمریکا به‌طور علنی اعلام کردند خروج‌شان تصمیمی پرهزینه و غلط بوده و امروز با بیگاری، مشکلات اقتصادی و فشارهای روانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، احمدی نیز اکنون از تجربه‌ای می‌گوید



استقلال در شبی که باید پیروز می‌شد، مقابل ملوان متوقف شد

طبق معمول، اشتباهات تأثیرگذار

حمله به تیم‌شان کمک کنند را روی نیمکت میخکوب کند. از نظر او جنبو و آزادی گزینه‌های بهتری برای تغییر نتیجه و سبک بازی هستند. اسلامی و رضاییان با اصلا به بازی گرفته نمی‌شوند یا دیر هنگام به زمین می‌روند که نمی‌توانند در آن مدت زمان کوتاه خودی نشان دهند. سرمربی آبی‌ها رفتن یا نودین بی‌مورد آسانی در زمین دردی را دوا نمی‌کند و هم او خسته می‌شود و هم هوادارانی که نمی‌توانند حضور ستاره تیم‌شان را تا این حد بی‌معنا ببینند.

سایپینتو و کادرش باید بداند تیم آنها بهترین خریدهای یک دهه اخیر خود را داشته و قرار نیست تنها ستاره‌های بزرگ کار را برای آنها درآورند. استقلال روی نیمکت هم بازیکنانی دارد که فصل گذشته جزو بهترین‌های تیم خود بودند و اگر کادر فنی نمی‌تواند از آنها بازی بگیرد، این یعنی آنها هنوز به دانش کافی نرسیده‌اند و باید به فکر تقویت آن پیروزی بود. نمی‌شود هر دیدار یک ستاره با حرکت و خلاقیّت فردی موقعیتی ایجاد کند. کادر فنی هم باید بتواند از بازیکن ستاره بسازد و با فکر و تصمیم درست، گره بازی را باز کند.

گل از دست داده است اما تعویض او با محمدرضا آزادی نمی‌تواند حلال مشکلات باشد. شماره ۷ استقلال نه مهاجمی است شش‌دانگ و نه بازیکنی که فرشته نجات و فشار رسانه‌ای اتخاذ شد؛ و امروز، پس از فروکش هیجانات، واقعیت وطن و نیاز به هویت ملی بار دیگر خود را نشان می‌دهد.



زود به شاگردانش دستور عقب‌نشینی داد و این یعنی شمایه حریف جسارت و اجازه نفوذ داده‌ای. آبی‌ها آنقدر در حمله کند و بی‌برنامه ظاهر شدند که ملوان در نهایت زهر خود را با یک گل از زاویه بسته ریخت و پس از آن هم استقلالی‌ها آنقدر خسته و ناتوان بودند که گویی منتظر سوت داور برای پایان دیدار بودند.

اما معضل بزرگ سایپینتو و کادرش تعویض‌هایی است که نه‌تنها کمکی به تیم نمی‌کند، بلکه وضع را از آنی که هست خراب‌تر می‌کند، تعویض‌های مرد پرتغالی مرد تکراری است و قابل حدس و هم دیر هنگام و بی‌نتیجه. تأثیر گذارها روی نیمکت می‌مانند تا بی‌اثرترین‌ها به زمین بیایند و نتیجه را دست نخورده نگه دارند. در حالی که سعید سحرخیزان در دیدارهای اخیر موقعیت‌های بسیاری را برای به ثمر رساندن

استقلالی‌ها در شبی که باید ۳ امتیاز بازی می‌رسیدند تا اختلاف یک امتیازی با سپاهان صدرنشین را حفظ کنند و پرسپولیوس را بالاسر خود ببینند، با اشتباهات تاکتیکی

و داوری نتوانستند به این مهم برسند.

در شبی که یاسر آسانی و منیر حدادی درست مثل ۲ دیدار قبل در تله مدافعان پرتعداد حریف افتاده بودند و حرفی برای گفتن نداشتند، سمت راست استقلال با وجود رفت و آمد صالح حمدانی فلج شده بود و راهی برای رسیدن به محوطه جریمه ملوان پیدا نمی‌شد، علیرضا کوشکی تنها بازیکنی بود که هم جور مابقی بازیکنان را می‌کشید و هم از سمت چپ برای هم‌تیمی‌های خود موقعیت‌سازی می‌کرد اما مهاجمان بی‌دقت آبی‌ها نتوانستند از فرصت‌های به دست آمده استفاده کنند.

مهاجمان استقلال به قدری این فضل ناامیدکننده ظاهر شده‌اند که بر خلاف خریدهایی که ابتدای فصل جذاب به نظر می‌رسند، حالا باید در صورت باز شدن پنجره نقل و انتقالات هر چه سریع‌تر اقدام به فروش آنها و جذب بازیکن در این پست کرد. در دیدار استقلال با ملوان هم یک مدافع میانی در نقش گلزن ظاهر شد تا بار دیگر ضعف گلزنی



زهره فلاح‌زاده